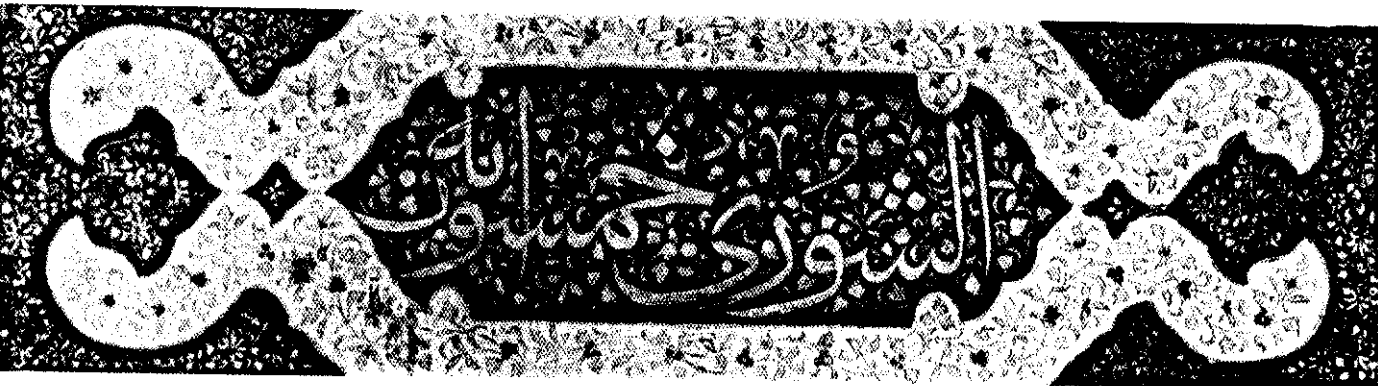


تذهیب ، تجلی گاه هنر و عبودیت





بازشناختن و باز یافتن و ارج نهادن به هنرهای ظریفه طی قرن‌ها زاد و ولد، کاری نه سهل که گاه مشکل و زمانی نامسکن می‌نماید .

این نامسکن بودن از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هنرهای ظریفه همانند مینیاتور، تذهیب، قلم‌زنی مینا کاری، نقره کاری، و بسیاری از این دست هنرها در رابطه‌ای عمیق همه‌گامه‌سکمل هم بوده‌اند و یاری رسان هم شده‌اند. بدین دلیل شاید صواب آن باشد که به وقت داوری، کار را به تفکیک و جدا سازی نکشیم و حتی برای باز شناختن و شناسائی این هنرها و چند و چون رشد و پویایی و نیز زکودشان تنها به سرزمینی و محدوده‌ای خاص انگاره نکنیم . چرا که هنرهای ظریفه همه‌گامه در طول تاریخ در رابطه مستقیم با زندگی انسانها رشد کرده، متولد شده و ادامه حیات داده‌اند. سفال‌ها، اشیاء ظریفه بیادگار مانده از دوران کهن گواه صادقی بر این ادعاست و دریافتی است از این واقعیت که انسان سوای رفع نیازمندی‌هایش چگونه شیفته زیبایی و بیان اندیشه‌های هنری‌اش بوده است . اشکال و خطوط را به مدد گرفته است تا مگر به آیندگان سهم خود را در اندیشیدن و به‌دنیای درون راه یافتن نشان دهد . بگذریم که این سخن قصه‌ای دراز است، به درازای زیستن انسان و سهمی والا است، چرا که هر سرزمینی راسمی، هر قومی را نقشی و هر دمستی را تولدی است، با این همه به وقت داوری درباره آفرینش‌های هنری اقوام مختلف باید بیش و کم تلاش‌های انسانهای با ذوق را مورد نظر

قرار داد و با توجه به شرایط جغرافیائی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی معیاری برای سنجش و قضاوت پیدا کرد و گرنه بطور مثال اگر سخن از تذهیب می‌رود و باید به تعریف کارنامه این هنر بی‌یاری سایر هنرهای ظریفه بپردازیم، هرگز نباید از یاد ببریم که این تعریف بدون در نظر گرفتن یاری سایر هنرهای ظریفه کامل نیست و تنها شرح حرکتی است در محدوده این هنر و داستان تحولات و زاد و ولدهای این هنر و سایر هنرهای ظریفه در دیگر سرزمین‌ها و اقوام خود به بیان و شرحی مفصل نیازمند است، واقعیتی که در مورد بسیاری از هنرها صادق است، هنر تذهیب تنها در ایران متولد نمی‌شود، شواهد نشان می‌دهد که از همان دوران کهن این هنر در کشورهای باستانی همانند چین، هند و مصر نیز دارای شناسنامه‌ای سزاوار تحقیق و شناختن است و تنها اگر به بیراهه نرویم در ایران زمین بدلیل پشتوانه‌های فرهنگی و استعداد های قومی این هنر، رشدی چشمگیری یابد که الگومی شود. مورد تقلید قرار می‌گیرد به تعبیری عادلانه‌تر شاخص می‌شود و ما اگر به معنا و تعریف قراردادی تذهیب بسنده نکنیم رگه‌های تولد نخستینش را خیلی بیش از آنچه اندیشه می‌کنیم بر تن سفال‌ها می‌یابیم، در دل سنگها و پیشانی دیوارها.

با ظهور و گسترش دین مسیحی، وحدت که اساس و پایه اسلام محسوب می‌شود. در تمامی شئون اعتقادی، اندیشه‌ای و هنری کشورهای مسلمان

بیاده می‌شود. این وحدت‌زمینه‌ساز همبستگی اعتقادی و اندیشه‌های پرذوق هنرمندان سرزمین‌های مختلف می‌شود و هنرازی‌پراکنندگی و تفرقه‌رهاشده و در زیر چتر حمایت اسلام از هنر، پایه‌های مستحکم و پربار هنر اسلامی ریخته می‌شود. این واقعیتی است انکار ناپذیر که هنر مذهبی پیش از ظهور اسلام نیز پیشه‌ای کهن دارد. نگاه کنیم به بناهای مذهبی عیسویان و کتاب آرای و نقاشی‌های مذهبی سایر ادیان. اما اسلام باشعار وحدت به هنر ابعاد تازه‌ای می‌بخشد هم‌بدین دلیل هنر اسلامی انحصار به سرزمینی خاص و یا قوم و ویژه‌ای ندارد بلکه آنچه به هنر اسلامی اعتبار و استحکام می‌بخشد تعالیم انسان ساز قرآن مجید و عبودیت و عشق و ایمان هنرمندان مسلمان به آفرینش‌های هنری و هنرآفرینی‌های در این رابطه است و بدیهی است که ایرانیان با توجه به پیشینه‌های کهن در فرهنگ و هنرآفرینی سهم والاتری از آن خود می‌سازند نگرش به بسیاری آغازگری ایرانیان در پربارتر ساختن هرچه بیشتر هنر اسلامی گواه عادلانه‌ای بر این ادعاست.

عشق و ایمان مسلمانان هنرمند ایرانی به قرآن مجید هسته‌های نخستین باروری هنر خویش‌نویسی و تذهیب‌رایی می‌ریزد و از این زمان به بعد خوش‌نویسی و تذهیب همگام و همراه جایگاه پرارجی می‌یابند.

با مطالعه بر روی قرآن‌های خطی سده‌های نخستین هجرت می‌توان دریافت که کار تزئین قرآن در این سده‌ها با توجه به انعطاف‌پذیری خط کوفی چندان نیازمند تذهیب بدان معنا که مکمل و یاری رسان باشد احساس نمی‌شود. هنرمند خطاط با استفاده از نقوش برك مانند و نقوش‌های ریز هندسی همگام کار تزئین و خوش‌نویسی را انجام می‌دهد و فاصله‌سوره‌ها و آیه‌ها را با مداد آب‌طلا و یارنگ قرمز مشخص می‌نماید این کار تا سده سوم هجری ادامه می‌یابد و قرآن‌های بیادگار مانده در این سده‌ها با چنین شیوه‌ای تزئین و خوش‌نویسی می‌شود. اما بعد با رواج خط نسخ در کار کتابت قرآن مجید تحولی تازه و نو در کار تذهیب بوجود می‌آید. خط نسخ آن انعطاف لازم را که خط کوفی داراست ندارد، هرچند خط زیبایی است اما هنرمند بدلیل محدود بودن امکانات تزئینی خط

نسخ، تذهیب راییاری می‌گیرد اما این تذهیب‌چندان نقش موثر و پرباری ندارد. تنها ابتدای سوره‌ها، کلمات با آب طلا نوشته می‌شود و گاه برای تعیین فاصله‌ها و جزوه‌ها اشکال هندسی با آب طلا و رنگ زعفرانی مشخص می‌گردد و زمانی نیز در صفحه نخستین قرآن مجید هنر تذهیب بکار گرفته می‌شود، کاری که اغلب خود خوش‌نویسان برعهده می‌گرفتند، بدیهی است ایمان و اعتقاد هنرمند خوش‌نویس در ارائه هر چه زیباتر و پرشکوه‌تر نمودن کارش سبب می‌شود تا گاه عمری در راه کتابت و تذهیب قرآن مجید صرف وقت و هنر کنند.

اوایل قرن ششم هجری بارواج خوش‌نویسی و تذهیب خویش‌نویسان تذهیب‌کاران هر کدام به تنهایی سهم خود را اداسی کنند. به زبان دیگر خوش‌نویسی و تذهیب هنری جداگانه قلمداد می‌شوند خوش‌نویسان به کتابت قرآن مجید مشغول می‌شوند و تذهیب‌کاران بعد از اتمام کتابت کار تذهیب را شروع می‌کنند. از نمونه قرآن‌های تذهیب شده از پس این تحول می‌توان دریافت که خوش‌نویس و تذهیب‌کار دقیقاً در رابطه با هم کار را دنبال می‌کردند اغلب خوش‌نویسان کتابت قرآن مجید را به گونه‌ای به اتمام می‌رسانند که زمینه تذهیب کاسلا مهیا و مساعد باشد. هم‌در این روند است که گاه با رقابتی آشکار و نهان در امر خوش‌نویسی و تذهیب روبرو می‌گردیم، چه زمانی خط خوش بر تذهیب رجحان می‌یابد و گاه بالعکس تذهیب، خط را تحت الشعاع قرار میدهد. اما آنچه غیرقابل تردید است ایمان هردو هنرمند به هرچه زیباتر نمودن کار و هنرشان است. تحول هنر تذهیب از این پس به سرور زمان آشکار می‌شود هنرمندان تذهیب‌کار به نقوش‌های هندسی و بیخطوط منظم و غیر منظم اکتفا نمی‌کنند هم‌از این زمان به بعد است که نقوش اسلیمی پیچیده باشاخ و برگ به دایره هنر تذهیب پامی‌نهند و جان تازه‌ای به این هنر می‌بخشند. آنچه در هنر تذهیب سزاوار مطالعه و بررسی است قدرت تمرکز هنرمندان تذهیب‌کار در ایجاد نقوش ریز و بسیار مشکلی است که گاه سالهای سال عمر را به پای این هنر صرف

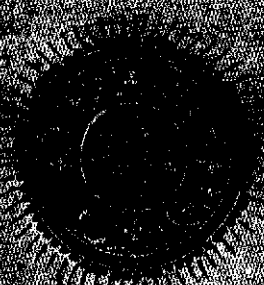
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا
لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَشْكُرَهُ
لَوْلَا رَحْمَتُ اللَّهِ عَلَيْنَا
لَكُنَّا مِنَ الْخَاسِرِينَ

مشهد در سال ۱۲۸۰
توسط آیت الله العظمی
میرزا محمد باقر

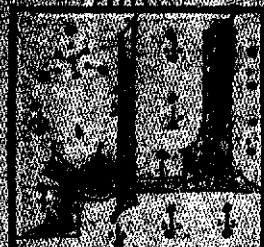
می کردند. هم بدین دلیل است که کار تذهیب کاران را باید درحقیقت نوعی ریاضت بشمار آورد، ریاضتی برای عبودیت در برابر پروردگار، نوعی از خود بیخودشدن و به دنیای غیر ملموس راه یافتن آشکار است وقتی در کنار کلمات و برصفحات قرآن مجید قصد هنر آفرینی داری باید که ابتدا به معنویت و خلوص راه پیداکنی و زان پس قلم بردست گیری و به آزمون هنرت بنشین. با همسادی و رونق هنر تذهیب، این هنر چونان نقاشی که آشکارا به بیان دیدنی های ملموس می پردازد خلاصه نمی شود بل تمامی تلاش هنرمند در کشودن در پیچه هایی از دنیای دیگر است، دنیایی که هر که را به میزان معرفت و آگاه دلی اش از آن برداشتی است. هنرمند تذهیب کار آنچنان شیفته دل و مخلص نقش می آفریند که جدا شدن او را از عالم مادی به معنوی می شود کاملاً احساس کرد. نقش ها با همه ریزی، با همه بی انتهای، با همه تکرار بجای سردرگمی و اغتشاش نوعی آرامش در انسان ایجاد می کند این هنر در حقیقت زیبایی ظاهری را تنها نمی پسندد و دنبال نمی کند، هنر تذهیب در راه فریب چشم و خود نمائی گام بر نمی دارد، با همه امکانات محدودش می کوشد تا سهمی از آفرینش هنری معنوی و پربار را ادا کند. در دوران سلاجقه رقابت چشمگیری بین تذهیب کاران و خوش نویسان ایرانی و هنرمندان و تذهیب کاران سایر ممالک اسلامی اتفاق می افتد و از آن جمله مکتب بغداد را باید نام برد که گروهی از ورزیده ترین و هنرمندترین خوش نویسان و تذهیب کاران را در شیوه خوش نویسی و تذهیب تربیت کرد. این رقابت سالم تا اوج اقتدار سلاجقه همچنان ادامه داشت و هنرمندان بسیاری در این دوران چه ایرانی و چه غرب در زمینه تذهیب و خوش نویسی قرآن مجید پایه عرصه هنر نهاده و آثار نادر و ماندنی از خود بجای گذاشتند. اما آنچه در این میان سزاوار تامل است. عدم تمایل هنرمندان تذهیب کار در بجای گذاشتن نام و نشان از خود است. آنان آنچنان شیفته دل و مخلص در راه هنر آفرینی خویش گام نهاده و غرق شده اند که انگاری هیچ میل و رغبتی به آشکار کردن نام خود ندارند

هم بر این اساس است که بندرت نامی یا نشانه ای از خود بیادگار گذاشته اند.

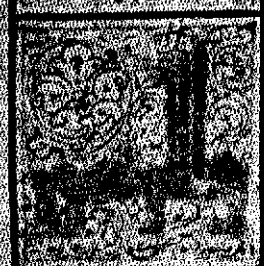
این سهم چندان که یادشده از خلوص به دل بردن از دنیای راه یافتن به معانی واقعی و پیرایع هنر و روحیه عرفانی تذهیب کاران سرچشمه می گیرد هنرمندی که سالهای سال با کتاب خدا و به دلیل ایمان به خدا در تلاش آفرینش است باید که از تظاهر و تفاخر پرهیز کند. بدین سبب در آثار تذهیب، ماچندان سهم ها و نام ها را نمی شناسیم و جز نامهایی معدود بیشترین سهم ها مجهول مانده اند آنان انگاری پیمان بسته اند که جز به رضای خدای و اجر گرفتن از پروردگار هیچ سزوی و تحسینی را از خلق خدا نپذیرند. از پس حمله ویرانگی قوم مغول اگرچه هنر تذهیب چند صباحی به ناپاسمانی و آشفتگی و رکود گرفتار می شود اما دیر زمانی نمی پاید که زمینه های رشد دیگر بار همیا می گردد، حتی با انسجام بیشتر و با مایه های پربارتر. هنر تذهیب در اوایل قرن هشتم تولدی دوباره می یابد، استفاده از تجارب گذشته همت در حرکتی تازه سبب می شود که اغلب هنرمندان تذهیب کار و خوش نویسان تلاشی نورا آغاز کنند. تبریز در این زمان پذیرای آنان می شود. تذهیب کاران گردهم می آیند و بایاری خوش نویسان تحول نوین را از پس مدت زمانی رکور آغاز می کنند تبریز در این زمان سرای این هنرمندان مرکزی است از برای جلب اندیشمندان و هنرمندان سایر رشته ها کار تذهیب کاران و خوش نویسان تا آنجا بالا می گیرد و ابتکارات و ابداعات تازه در این هنر تا آنجا چشمگیر می شود که جنبش تازه ای در زمینه خوش نویسی و تذهیب در مکتب تبریز آغاز می شود. تذهیب کاران مکتب تبریز خود را از محدوده انتخاب رنگهایی همانند قرمز و طلائی رها کرده و در زمینه تذهیب رنگهای سبز، آبی را نیز می افزایند. نقش ها متنوع تر می شود، هنرمند تذهیب کار با استفاده از کاغذهای (۱) مرغوب به تهیه جوهر مخصوص تذهیب که از اختلاط گرد طلا با آب لیمو و زعفران و صمغ عربی و اضافه نمودن آب بدست می آید و نیز رنگ آبی که از سنگ لاجورد و رنگ قرمز که از



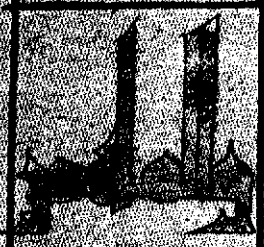
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



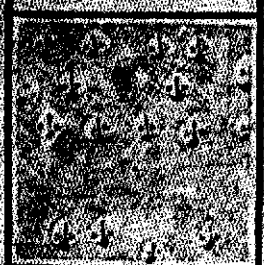
الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ



لِیَسْرَلَ عَلَیْهِمُ الرِّیَاضَ



وَالْحَرَمَ الْمُکَرَّبَ وَجَعَلَ



لِیَسْرَلَ عَلَیْهِمُ الرِّیَاضَ
وَالْحَرَمَ الْمُکَرَّبَ وَجَعَلَ



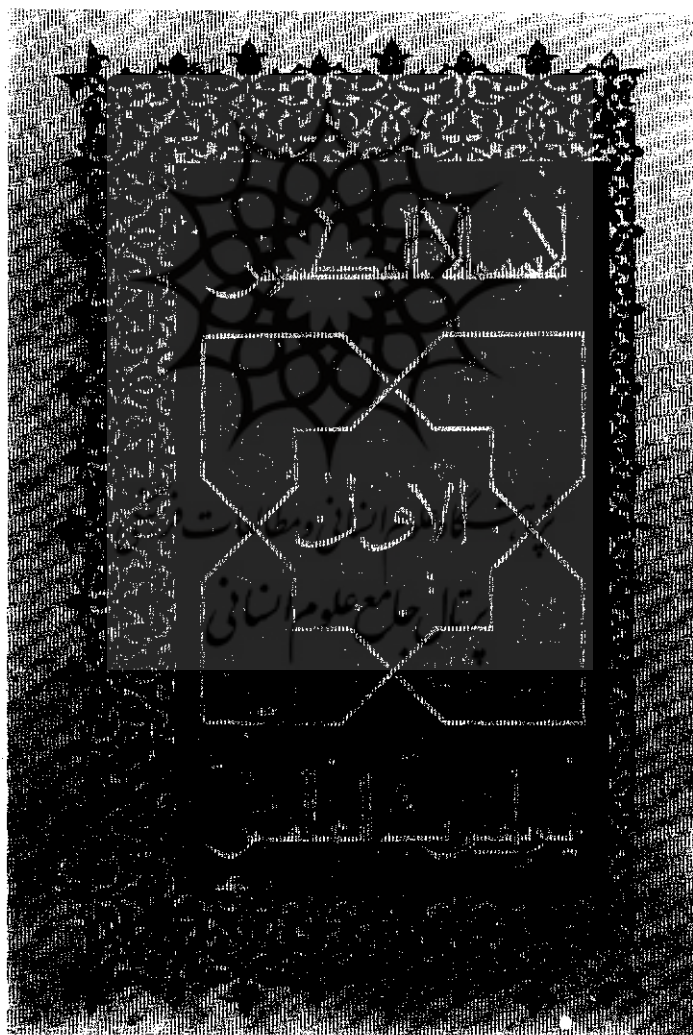
واعتبار تازه‌ای به هنر تذهیب و خوش‌نویسی بدهد. بایسنقر میرزا که خود هنرمندی چیره دست در اسر خوش‌نویسی و تذهیب بود بانی این تشویق و گردهم آئی شد. آنچه مکتب هرات در زمینه تذهیب عرضه می‌دارد، اضافه نمودن طرح‌های هنسی تو در تو با خطوط و شاخه‌های کوچک نخل و نیز استفاده از نقاشی انواع گلها در زمینه تذهیب است. تا این زمان چندان به نقش پرندگان در زمینه تذهیب توجه نشده بود اما مکتب هرات با استفاده از نقوش یاد شده راهی بسوی تنوع و ابتکار تازه پیدا کرد. تذهیب در این دوران آنچنان مورد توجه قرار می‌گیرد که سوی تزئین قرآن مجید در تن پارچه‌های ابریشمین و نیز قالی و ظروف راه پیدامی‌کند و نقش‌ها و ترکیبات آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مکتب هرات تا مدت زمان بسیاری شیوه کار و راه هنرمندان تذهیب کار شد اما این مهم هرگز مانع از ابتکارات و ابتکارات تازه هنرمندان تذهیب کار در دوره‌های بعد نگردد و چندانکه در عصر صفوی تذهیب کاران با کاستنی از ابعاد اشکال و نیز افزودن زمینه طلائی و سیاه و آبی بعنوان زمینه اصلی رنگ و وارد کردن رنگ زرد و سفید به زمینه تذهیب به تغییراتی موفق شدند و بر نقوش نیز افزودند. با توجه به اهمیت خوش‌نویسی و تذهیب، قرآن مجید در عصر صفوی در این زمان اصفهان مرکز تذهیب کاران و خوش‌نویسان بسیاری شد و مدت زمانی بعد

شنگرف محلول در آب انار تهیه می‌شد (۲) به کار خود رونق هرچه بیشتری می‌داد. (۳) می‌شود ادعا کرد که تذهیب کاران مکتب تبریز برای نخستین بار سایر هنرمندان تذهیب کار در گوشه و کنار جهان آن روز را تحت تاثیر شدید شیوه و راه خود قرار دادند و تا مدت زمانی طولانی نوآوری و ابتکارات آنان مورد نظر هنرمندان این رشته از هنر ظریف در سرتاسر جهان قرار گرفت. از آنجا که هنر در هر رشته‌ای هر چند به غایت تکامل و زیبایی برسد هرگز نمی‌تواند ایستایماند و درجا بزند تذهیب نیز با همه تکاملی که در مکتب تبریز پیدا می‌کند هنوز در تکاپوی راه یافتن به معانی و نقش‌های تازه است. از پس حمله تیمور به ایران، تیموریان که تحت تاثیر شدید هنر این سرزمین قرار گرفتند، تذهیب و خوش‌نویسی به اوج ترقی و تکامل می‌رسد و سرای تبریز، شهر هرات مرکز عمده‌ای در اسر گردهم‌آیی خوش‌نویسان و تذهیب کاران می‌شود. تا آنجا که در اثر تشویق بایسنقر میرزا، هرات گوی سبقت را از تبریز می‌رباید و به تعبیری مکتب هرات راهگشای فصل نوینی در تذهیب و خوش‌نویسی می‌گردد و نگارستان هرات به کوشش بایسنقر میرزا برپا می‌گردد و هم‌اوست که بنا به روایت تاریخ در زمان سلطنت شاهرخ موفق شد که با تأسیس کتابخانه بزرگی در شهر هرات سالیان دراز چهل تن خطاط و صد تن تذهیب کار را به کار خوش‌نویسی و تذهیب قرآن‌های بسیار وادارد و آبرو

تحویلی تازه نمی‌گردد .
 در دوران بعد از صفوی تمایل به نقاشی و
 تذهیب کتب تاریخی و ادبی نیز افزون می‌گردد
 و تذهیب کاران گاه به گاه سوی تذهیب قرآن مجید
 در این راه نیز به تجربه می‌پردازند. اما اغلب نقوش
 و اشکال، تکراری و گاه نیز از بافت اصیل تذهیب
 بدور می‌افتند . با این همه تذهیب که دارای
 شناسنامه‌ای پربار است چندان به دست فراموشی
 نمی‌افتد و هر چند زمانی با تولد هنرمندی عاشق این
 راه ابتکاراتی نیز در زمینه باروری هرچه بیشتر تذهیب
 بوجود می‌آید، بررسی و شناخت کار تذهیب کاران

در سایه تلاش این هنرمندان مکتب اصفهان بوجود
 آمد ، کار هنرمندان تذهیب کار و خوش نویس
 مکتب اصفهان تا بدانجا رونق می‌گیرد که سلاطین
 عثمانی به رقابت با این مرکز هنری تلاش در جذب و
 جلب هنرمندان تذهیب کار و خوش نویس می‌کنند
 و هنرمندان تذهیب کار با توجه به اسکاناتی که در
 آن جا می‌یافتند مهاجرت را آغاز می‌کنند . زسانی
 بعد بدلیل این مهاجرت محفل هنری قسطنطنیه ایجاد
 می‌شود. محفل جدید هر چند سعی در تشویق و ترغیب
 هنرمندان به ابداعات و آفرینش‌های تازه هنری دارد
 اما در برابر مکتب اصفهان چندان موفق به ارائه



عصر افشاری بدلیل شرایط وموقعیت ویژه حاکم براوضاع سیاسی زمان چندان میسر نیست. از نمونه های نادر کار تذهیب در این دوران می توان دریافت که هنر تذهیب راه گذشته را طی می کند، بی هیچ نشانه ای از تحولی ویابتکاری. اما بعد از این دوران در عصر زندیه با توجه به تحول هنر در زمینه های گوناگون ومهم تر از همه معماری و کاشیکاری تذهیب نیز رنگ وبویی تازه بخود می گیرد. هنرمندان تذهیب کار این عصر با سد از رنگهای شادوزنده بویژه زرد وسفید به عنوان زمینه اصلی کار ونیز یاری گرفتن از طبیعت، گل وطیور و وحوش حرکتی نورا در زمینه تذهیب آغاز کردند. این حرکت که با توجه به گذشته تذهیب و کاستن از نفوذ اشکال هندسی، نوعی نوآوری به شمار می آید سواى تذهیب قرآن مجید به کتابهای شعر وتاریخ نیز نفوذ کرد و بسیاری از دیوان های شعر در این زمان وسینه سینیاتور وتذهیب تزئین گردیدند. این تحول سواى کتاب آرایى بر بدهنه دیوار کاخها ونیز برتن کاشی ها آشکار شد و بدنبال موج تازه ای که در نقاشی دیوارها و کاخها از عصر صفوی رایج گردیده بود در این زمان نیز بیشترین تلاش در این حرکت تازه مشاهده می گردد وتا آنجا که نقاشی دیوار کاخها و کاشی کاری عصر زندیه دقیقاً نموداری از کار تذهیب در کتب این زمان بشمار می رود. با تفاوت در ابعاد نقش ها واسکان گسترش این نقش ها. ناگفته نگذاریم که رواج حرکت تازه تا حدودی بر رونق کار تذهیب کاران قرآن مجید و کتب دیگر اثر گذاشته وباعث نوعی کسادى بازار تذهیب کاران گردید.

در دوره قاجاریه سواى تلاش هنرمندان مکتب شیراز که به تعبیری به مکتب گل شهره شده اند وسواى حرکتی تازه که از اوایل حکومت قاجاریه بویژه فتحعلی شاه در کار تشویق هنرمندان به ابداعات تازه ونوصورت بی گیرد وزمینه های جنبش هنری تازه ای را نوید می دهند، عصر قاجاریه بدلیل نفوذ هنر غربی و رواج نوعی تقلید بی مایه و کور- کورانه عصری بی جان و بی مایه در رشد هنرهای ظریفه بشمار می رود. هم در این عصر ما بادو گروه

ودوشیوه روبرو می شویم اول گروهی که چشم بسته و مطیع در برابر هنر ظاهر فریب غربی قرار دارند و کاری جز تقلید از شیوه هنر غربی ورها کردن سبانی سنتی واصیل هنر ندارند و گروهی که همچنان دلبستگی به هنر سنتی را دست مایه ابداعات وهنر آفرینی خویش قرار می دهند و چون مجال وزمینه رشد و تحول رانمی بینند، تنها رسالت خویش را در زنده نگاه داشتن وادامه راه نام آوران هنر در گذشته می بینند.

بدیهی است که در برابر موج نوآوری وتقلید اغلب گمنام در گوشه عزلت عاشقانه بی هیچ چشم داشت وتظاهری به کار خود ادامه می دهند. و این گمنامی در کار هنرمندان هنر تذهیب بیشتر رخ می نماید، از نمونه کارهای تذهیب در این دوران باکم وبیش تغییرات جزئی که ناشی از ذوق وسلیقه شخصی هنرمندان است وتداوم وگسترش همه گیر ندارد می توان دریافت که هنر تذهیب در این دوره سواى کارهای اصیل وپرارزش جایگاه پراج خود را از دست داده وبیشتر در خدمت سفارش وتفنن قرار می گیرد. با این همه در سایه تلاش هنرمندان گمنام ودل باخته هنر تذهیب در عصر قاجاریه این هنر چندان رنگ غبار و فراسوشی بخود نمی گیرد می ماند وبه حیات خویش ادامه می دهد.

از پس انقلاب مشروطیت موج نوآوری وتقلید فرهنگ غربی آنچنان بالا می گیرد که دیگر مجالى برای رقابت آشکار وپنهان پیروان هنر سنتی در برابر نوآوران دل فریفته هنر غربی نمی ماند. تازبانهای بی دربی نوآوران آنچنان بر پیکر ظریف هنرهای ظریفه وارد می آید که تا مدت ها کار هنرمندان این رشته از هنر رابه رکود وحتى کنار گذاشتن ودست بردست نهادن می کشاند. نوآوران با پشت کردن وبی ارزش نمودن هنرهای سنتی واصیل، بر حرمت این هنرها طعنه می زنند و کار هنرمندان هنرهای ظریفه، بویژه تذهیب کاران را نوعی هدر دادن عمر می شمردند و پیشرفت در زمان رادستاویزی برای کوبیدن این هنرها می سازند اما با این همه چون موج نوآوری وتقلید از هنر غربی خود فاقد پشتوانه هائی قوی و کار ساز است وتنها تقلیدی کور کورانه وعجول بشمار می رود

باگذشت زمان تب نوآوری و تقلید تاحدی پائین می آید. درگوشه وکنار ایران دگربار شاگردان باوفا وصدیق استادان هنرهای سنتی که اغلب روی در نقاب خان کشیده اند باایمان واعتقادی سزاوارتحسین به کالبد نیمه جان هنرهای ظریفه جان تازه ای می بخشد وازآن جمله درکارتذهیب تلاش نوینی صورت می گیرد. استادان هنر تذهیب دست به دست یکدیگر داده وباری رسان هم می شوند. دراین میان آنچه قابل بررسی و توجه است، توجه غربی ها در این زمان به تفاهیم و ارزش های هنرهای ظریفه است. آنان با استفاده از موج تقلیدوی خیری جامعه شیفته فرهنگ غربی، فرصت را مغتنم شمرده و به ادامه راه غارت کتب نفیس و تذهیب شده گذشتگان و اشیاء هنرهای ظریفه می پردازند. کاری که از دوره قاجاریه توسط دلالان بظاهر باستانشناس و هنرشناس شروع شده و اینک در این زمان شتاب بیشتری بخود گرفته است، باند مخوف جیره خواران هر با غارت یادگارهای هنری و پرارزش این سرزمین با استفاده از بی خبری مردم و جنجال و هیاهوی نوآوران روز به روز بر غارت و چپاول خویش افزودند. نمونه های پرارزش و نفیس قرآن های تذهیب شده و اشیاء ظریفه در سوزه ها و کلکسیون های شخصی غربی ها نمودار این چپاول و غارت است. از سوی دیگر آنان تنها به این غارت بسنده نکردند بلکه توسط دلالان خود به اجیر کردن هنرمندان هنرهای سنتی پرداختند و با پرداخت پول های ناچیزی هنرمندان با استعداد تذهیب کار و سایر رشته های هنرهای ظریفه سالیان دراز هنر و استعدادشان را پیش خرید کردند. تیمچه حاج علی تقی در اصفهان، نگارستان بی نام و نشانی بود که سالها سرکز غارت دست آوردهای هنری هنرمندان گمنامی شد که با صرف عمر و هنرشان آثار و نمونه های نادری در زمینه تذهیب و سایر هنرهای ظریفه آفریدند و تمامی آنان با قیمت های ناچیز به غارت رفت و در سوزه ها و مجموعه های شخصی غربی ها جا گرفت. این لطمات جبران ناپذیر که زائیده بی مهتری به هنرهای ظریفه و رواج نوآوری و تقلید کورکورانه بود تا مدت زمان بسیار ادامه یافت. اما در این میان با

هویت و آگاهی هنرمندان دل سوخته هنرهای ظریفه و باز رجعت دوباره مردم نسبت به ارزش های هنرهای سنتی که گاه ناشی از کنجکاوی و توجه غربی ها نسبت به این هنرها می شد، هنرهای ظریفه و از آن جمله تذهیب پویایی و حرکت تازه ای یافت. هنرمندان با استعداد گمنام و آشنا پابه عرصه هنر آفرینی نهادند و دگر بار باسدد استعداد های فراخور تحسین آثار و یادگارهای هنری نادری خلق گردید. و این مهم از آنجا تحسین برانگیزاست که آنان با استفاده از نیروی پرتوان هنر و استعدادشان به مقابله با سرگومی و سقوط و بازاری شدن این هنر پرداختند، عاشقی هنر پیشه کردند تا تجارت هنر، و این رسالتی عمده است برعهده ما که امروز با توان ناچیز خود سهم ها را بازشناسیم و غبار از نا سها بزدانیم و بویژه آنان که گمنام آمدند، خوش درخشیدند و غریب رفتند و با هنوز هستند و بی هیچ چشم داشت و تظاهری به کار خود ادامه می دهند، کاری که به اسید حق بشرح و بازگوئی اش در آینده خواهیم پرداخت.

